

تعاون و کشاورزی، سال پنجم، شماره ۱۷، بهار ۱۳۹۵

نقش اقتصاد تعاونی در تحقق الزامات اقتصاد مقاومتی بیژن عبدی^۱، روح‌اله کهن‌هوش‌نژاد^{۲*}

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۷/۲۲ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۱۲/۲۲

چکیده

اقتصاد مقاومتی، به عنوان راهبرد اصلی اقتصادی در دهه عدالت و پیشرفت، الزاماتی دارد که مردمی کردن اقتصاد و کاهش وابستگی به نفت از مهم‌ترین آنها در بلندمدت هستند. ماهیت اقتصاد تعاونی به گونه‌ای است که با تکیه بر سرمایه انسانی و سرمایه اجتماعی و تأمین سرمایه مالی از پس‌اندازهای خرد، به تحقق الزامات اقتصاد مقاومتی از طریق اهرم‌های مقاوم‌ساز خود یعنی فعالیت اقتصادی و ارزش‌آفرینی در بعد خرد و کلان، کارآفرینی و توزیع عادلانه درآمد و ثروت کمک شایانی می‌کند. اگرچه براساس سیاست‌های کلی اصل ۴۴، بخش تعاون می‌بایست به سهمی ۲۵ درصدی از اقتصاد ملی تا پایان سال ۱۳۹۴ دست می‌یافت، شواهد نشان می‌دهد که سهم این بخش اختلاف قابل توجهی با هدف تعیین شده دارد. علت این مسئله ریشه در ضعف‌های ساختاری و نیز محقق نشدن مزایا و مشوق‌های قانونی مندرج در ابلاغیه مقام معظم رهبری داشته است و لزوم توجه سریع مسئولان امر را می‌طلبد. بر این اساس، در مقاله حاضر ابتدا به مفهوم اقتصاد مقاومتی پرداخته می‌شود، سپس با مطالعه ابعاد اقتصاد بخش تعاون، انطباق کارکردهای این بخش با الزامات اقتصاد مقاومتی بررسی و در قالب یک مدل مفهومی نشان داده می‌شود.

واژه‌های کلیدی: تعاونی‌ها، اقتصاد مقاومتی، اقتصاد ایران، سرمایه انسانی، سرمایه اجتماعی

۱. دانش‌آموخته دکتری مدیریت استراتژیک، دانشگاه دفاع ملی، تهران

۲. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد معارف اسلامی و اقتصاد، دانشگاه امام صادق(ع)، تهران

مقدمه

پیشرفت و توسعه همه‌جانبه بزرگ‌ترین آرمان همه جوامع بوده و الگوهای توسعه تعیین‌کننده هدف و چگونگی حرکت جوامع به سمت اهداف و آرمان‌هایشان هستند. مفهوم توسعه یکی از مهم‌ترین مفاهیم در نیمه دوم قرن بیستم در عرصه نظریه‌پردازی بوده است. تجربیات اجرایی سیاست‌های توسعه در نزد بسیاری از اقتصاددانان این بینش را به وجود آورده که توسعه می‌بایست متناسب با شرایط بومی هر کشور تعریف گردد و سیاست‌های اجرایی به فراخور این شرایط تدوین شوند. از سوی دیگر، نگاه جامع اسلام به انسان، مفاهیم و معانی خاصی را بر توسعه می‌افزاید که منجر به تعمیق معنایی هر چه بیشتر این مفهوم می‌شود. در حقیقت، نام‌گذاری دهه چهارم انقلاب به دهه عدالت و پیشرفت، با توجه به همین ملاحظات صورت گرفته است.

اما راهبردی که در شرایط کنونی مورد توجه قرار گرفته و از سوی مقام معظم رهبری به عنوان اساسی‌ترین استراتژی اقتصادی کشور مدنظر قرار گرفته، راهبرد اقتصاد مقاومتی است. تحقق اقتصاد مقاومتی الزاماتی دارد که مردمی کردن اقتصاد و کاهش وابستگی به نفت از مهم‌ترین این الزامات در بلندمدت هستند. به نظر می‌رسد گسترش بخش تعاونی قرابت نزدیکی با مؤلفه‌های الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت و نیز تحقق الزامات اقتصاد مقاومتی دارد. از لحاظ نظری، نهضت تعاون رویکردی انسانی و اخلاقی به فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی داشته و افزون بر آنکه رقیب سوسیالیسم شمرده می‌شد، راهکارهای تازه‌ای برای پرهیز از نارسایی‌های نظام بازار به دست می‌داد. با توجه به تجربه تاریخی نظام بازار و اقتصاد دولتی و مطرح شدن نظریه‌های شکست آنها و نیز تجربه و عملکرد اقتصاد تعاونی در مقایسه با اقتصاد خصوصی و دولتی، شکست اقتصاد تعاونی در نظریه‌ها بیان نگردیده است.

در این مقاله ابتدا به مفهوم اقتصاد مقاومتی پرداخته می‌شود، سپس با مطالعه ابعاد اقتصاد بخش تعاون، انطباق کارکردهای این بخش با الزامات اقتصاد مقاومتی بررسی و در قالب یک مدل مفهومی نشان داده می‌شود. در ادامه، به سراغ بخش تعاون در اقتصاد ایران خواهیم رفت و جایگاه

آن را در برنامه‌های مختلف توسعه مورد بررسی قرار می‌دهیم. با توجه به اینکه در سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی، اوج شکوفایی بخش تعاون (رسیدن به ۲۵ درصد اقتصاد ملی تا پایان برنامه پنجم توسعه) ترسیم شده و هم‌زمان، توجه به این سیاست‌ها از سوی مقام معظم رهبری به عنوان یکی از اساسی‌ترین کارها در اقتصاد مقاومتی مورد تأکید قرار گرفته، به شناسایی آسیب‌های موجود در این زمینه خواهیم پرداخت.

۱. نگاهی به مفهوم اقتصاد مقاومتی

امروزه جمهوری اسلامی در حوزه‌های اقتصادی خود با مسائل یا مفاهیمی مواجه است که به هیچ عنوان تاکنون، چه در عرصه نظری و در کتاب‌های درسی و چه در عرصه عملی و تجارب بشری، مشابه و مابه‌ازای واقعی نداشته است. بنابراین، خود انقلاب اسلامی مکلف به نوآوری و ابتکار و نظریه‌پردازی و الگوسازی در این عرصه‌های جدید اقتصادی است. هر کشوری که علم استکبارستیزی را برپا کند نیازمند چنین الگوهایی است. یکی از این مفاهیم، «اقتصاد مقاومتی» است. اگر تمام دانش انباشته و کتاب‌های مرسوم اقتصادی دنیا را مطالعه کنیم، نظریه یا تجربه‌ای مدون و مکتوب درباره اقتصاد مقاومتی نخواهیم یافت. لذا نمی‌توان از نظریه‌های متداول برای این مسئله بهره برد. اقتصاد مقاومتی را می‌توان چهارگونه (اقتصاد موازی، اقتصاد ترمیمی، اقتصاد دفاعی و اقتصاد الگو) تعریف نمود و چهار الگو از آن یا ترکیبی از همه آنها را در کشور به عنوان پروژه‌هایی ملی پیگیری کرد (پیغامی، ۱۳۹۲):

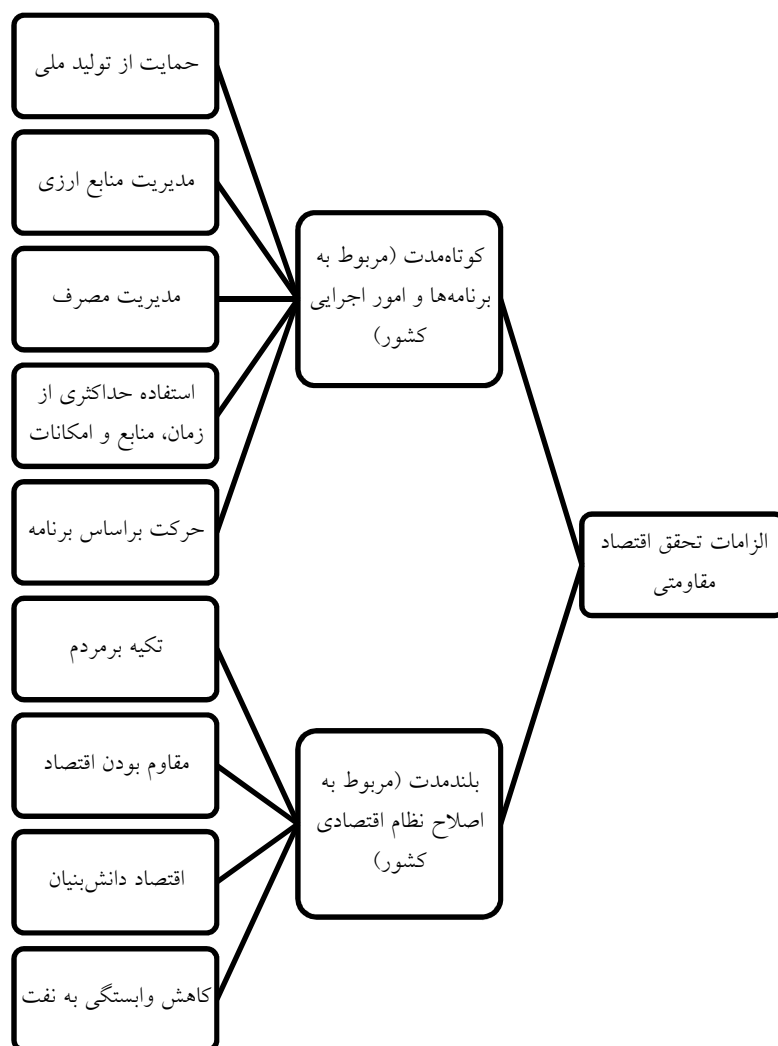


مأخذ: پیغامی، ۱۳۹۲

به نظر می‌رسد اقتصاد ترمیمی و اقتصاد دفاعی رویکردهای کوتاه‌مدتی هستند که می‌بایست در راستای هدف بلندمدت، یعنی اقتصاد الگو، تنظیم شوند.

۲. الزامات تحقق اقتصاد مقاومتی

مقام معظم رهبری علاوه بر طرح مسئله اقتصاد مقاومتی و تأکید بر لزوم تبیین آن توسط فرهیختگان، الزاماتی را برای تحقق آن بیان نموده‌اند که این الزامات را می‌توان به الزامات کوتاه‌مدت و بلندمدت طبقه‌بندی نمود:



مأخذ: www.khamenei.ir

سه مؤلفه تکیه بر مردم، اقتصاد دانش‌بنیان و کاهش وابستگی به نفت سه مؤلفه اصلی اقتصاد مقاومتی در بلندمدت هستند که به مقاوم شدن اقتصاد منتهی می‌شوند. در زیر بیانات مقام معظم رهبری در زمینه مؤلفه‌های بلندمدت اقتصاد مقاومتی عیناً نقل می‌شود:

تکیه بر مردم: «اقتصاد مقاومتی شرایط و ارکانی دارد؛ یکی از بخش‌هایش همین تکیه به مردم است؛ باید فکری بکنید برای اینکه به بخش خصوصی توانبخشی بشود؛ حالا از طریق بانک‌هاست، از طریق قوانین لازم و مقررات لازم است؛ از هر طریقی که لازم است، کاری کنید که بخش خصوصی، بخش مردمی، فعال شود»^۱.

اقتصاد دانش‌بنیان: «به نظر من یکی از بخش‌های مهمی که می‌تواند این اقتصاد مقاومتی را پایدار کند، همین شرکت‌های دانش‌بنیان است؛ این یکی از بهترین مظاهر و یکی از مؤثرترین مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی است»^۲.

کاهش وابستگی به نفت: «کاهش وابستگی به نفت یکی دیگر از الزامات اقتصاد مقاومتی است. این وابستگی، میراث شوم صدساله ماست. ما اگر بتوانیم از همین فرصت که امروز وجود دارد، استفاده کنیم و تلاش کنیم نفت را با فعالیت‌های اقتصادی درآمدزای دیگری جایگزین کنیم، بزرگ‌ترین حرکت مهم را در زمینه اقتصاد انجام داده‌ایم»^۳.

به نظر می‌رسد اقتصاد بخش تعاون فارغ از اینکه در سیاست‌های کلی اصل ۴۴ و سیاست‌های کلی تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی^۴ نیز مورد تأکید قرار گرفته است، قربات زیادی با اهداف مزبور دارد. باتوجه به اینکه اقتصاد تعاونی ارتباط تنگاتنگ و مستقیمی با

۱. بیانات مقام معظم رهبری در ۹۱/۶/۲ (www.khamenei.ir)

۲. بیانات مقام معظم رهبری در ۹۱/۵/۸ (www.khamenei.ir)

۳. بیانات مقام معظم رهبری در ۹۱/۵/۳ (www.khamenei.ir)

۴. براساس این سیاست‌ها می‌بایست سهم بخش تعاونی در اقتصاد ملی تا پایان برنامه پنجم توسعه به ۲۵ درصد برسد.

۵. در بند ۹ این سیاست‌ها چنین آمده است. افزایش سهم بخش‌های تعاونی و خصوصی در تولید ملی از طریق: - تقویت انگیزه و عزم ملی و تأکید و تسریع در اجرای کامل سیاست‌های کلی اصل ۴۴، رعایت انضباط مالی و بودجه ای دولت

- رفع تبعیض بین بخش دولتی و بخش‌های خصوصی و تعاونی
- ساماندهی و حمایت از بنگاه‌های کوچک و متوسط در جهت کارآمدسازی آنها

دو مؤلفه اصلی اقتصاد مقاومتی یعنی تکیه بر مردم و کاهش وابستگی به نفت دارد، در ادامه به بررسی انطباق اقتصاد تعاونی با این دو مؤلفه بلندمدت اقتصاد مقاومتی می‌پردازیم.

۳. اقتصاد تعاونی و تکیه بر مردم

ابتدا باید به این نکته اشاره نمود که اقتصاد بخش تعاون مبتنی بر تعاونی‌هاست. واژه تعاونی^۱ در شکل فعالیت‌های رسمی و برای مؤسساتی که بر مبنای اصول و قواعد تعاونی فعالیت می‌نمایند، به کار برده می‌شود. این واژه را معمولاً معادل شرکت تعاونی^۲ استعمال می‌کنند. واژه اخیر از اواسط قرن نوزدهم و به دنبال ایجاد مؤسسات اقتصادی مبتنی بر اصول تعاون رایج گردید. اتحادیه بین‌المللی تعاون (ICA)^۳ تعاونی را این‌گونه تعریف کرده است: "تعاونی، اجتماعی مستقل از اشخاصی است که به شکل داوطلبانه‌ای با یکدیگر متحد شده‌اند تا نیازها و اهداف مشترک اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خود را از طریق اداره و نظارت دموکراتیک مؤسسه‌ای با مالکیت جمعی، تأمین نمایند" (ICA, 2004).

وقوع انقلاب صنعتی و گسترش بهره‌برداری از ماشین و سایر اختراعات علمی و فنی موجب تحولات و دگرگونی‌های وسیع و شگرف در اوضاع اقتصادی و روابط اجتماعی کشورهای غرب اروپا گردید. توسعه واحدهای صنعتی، جایگزینی نیروی ماشین به جای انسان، تعطیلی کارگاه‌های خانگی، بیکاری و آوارگی صاحبان صنایع دستی، مهاجرت وسیع نیروی کار از روستاها و مزارع به شهرها و واحدهای صنعتی موجبات گسترش نابرابری اقتصادی و اجتماعی، گرانی قیمت مواد مصرفی و افزایش فقر، بیکاری و فلاکت طبقات کم در آمد را فراهم نمود (جعفرزاده، ۱۳۸۷، ۱۷). تلاش اندیشمندان و متفکران اقتصادی مانند سیسموندی، پرودون، سن سیمون، فوریه و اون بر این امر استوار بود که باروش‌های ابداعی، فاصله بین تولید و مصرف و نیز فاصله بین کار و سرمایه - که ریشه تمام مصیبت‌ها تصور می‌شد- برداشته شود. هم‌زمان نخستین طرح‌های عملی برای تشکیل شرکت‌های تعاونی نیز پی‌ریزی شد (طالب، ۱۳۸۶، ۲۹).

1. Cooperative
2. Cooperative Society
3. International Cooperative Alliance

۱.۳. اصولی بین‌المللی

تعاونی‌ها از اصولی بین‌المللی برخوردارند که توسط اتحادیه بین‌المللی تعاون تدوین شده است. اصول تعاونی، دستورالعمل تعاونی‌هایی است که قصد دارند ارزش‌های مزبور را در عمل به کار گیرند. این اصول عبارت‌اند از:

اصل اول؛ داوطلبانه بودن عضویت و درهای باز: تعاونی‌ها سازمان‌های داوطلبانه‌ای هستند که درشان به روی کلیه افرادی که مایل به تهیه خدمات مورد نیاز خود از تعاونی بوده و مسئولیت عضویت را بپذیرند باز است. هیچ گونه محدودیتی جنسی، اجتماعی، نژادی، سیاسی و مذهبی برای عضویت وجود ندارد.

اصل دوم؛ نظارت دموکراتیک اعضا: تعاونی‌ها سازمان‌هایی دموکراتیک هستند که توسط اعضایشان کنترل می‌شوند. این اعضا فعالانه در سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری‌ها مشارکت و حق رأی مساوی دارند.

اصل سوم؛ مشارکت اقتصادی اعضا: اعضا مشارکتی منصفانه (عادلانه) در تأمین سرمایه و نظارت دموکراتیک تعاونی دارند. اعضا سود محدودی بابت سرمایه دریافت می‌کنند.

اصل چهارم؛ خودمختاری و استقلال: تعاونی‌ها سازمان‌های خودگردان و خوداتکایی هستند که توسط اعضای خود نظارت و کنترل می‌شوند.

اصل پنجم؛ آموزش و اطلاع‌رسانی: تعاونی‌ها برای اعضای خود امکانات آموزشی فراهم می‌کنند و به مدیران، نمایندگان و کارکنان تعاونی برای توسعه تعاونی آموزش‌های لازم را ارائه می‌دهند. اطلاع‌رسانی به مردم به‌ویژه جوانان و رهبران فکری جامعه در زمینه ماهیت و منافع تعاونی نیز بر عهده آنهاست.

اصل ششم؛ همکاری تعاونی‌ها: تعاونی‌ها از اعضای خود به طور مؤثر و اساسی در تقویت نهضت تعاونی استفاده می‌کنند. این کار از طریق فعالیت مشترک در ساختارهای موجود در سطحی محلی، ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی صورت می‌پذیرد.

اصل هفتم؛ مشارکت در توسعه: تعاونی‌ها برای توسعه پایدار جوامع خود از طریق سیاست‌های تصویب شده توسط اعضا فعالیت می‌کنند (ICA, 2004).

۲.۳. رهایی از ناکارآمدی‌های اقتصاد بازار و اقتصاد دولتی

همان‌طور که ملاحظه می‌شود، اساس اقتصاد تعاونی تکیه بر مردم است. اما این تکیه از نوع تکیه صرف بر بخش خصوصی و نظام بازار نیست. در واقع، شکست‌ها و ناکارایی‌های بازار واکنش بسیاری از اندیشمندان و صاحب‌نظران را به دنبال داشت. به طور کلی می‌توان واکنش به نارسایی‌های بازار را به سه دسته تقسیم بندی نمود:

رویکرد اول که برخاسته از درون اقتصاد مبتنی بر نظام بازار بود و قصد داشت با حفظ اصول اقتصاد کلاسیک و تحمل دخالت حداقلی دولت در قالب برنامه‌های تأمین اجتماعی و تولید کالاهای عمومی نقیصه‌های بازار را مرتفع نماید. رویکرد تأمین اجتماعی رویکردی است که در واقع مهم‌ترین حفره‌های ایجاد شده توسط نظام بازار یعنی فقر و نابرابری را ترمیم می‌کند.

رویکرد دوم که از آن به نام نهضت سوسیالیسم یاد می‌شود، واکنش تند و خشن به نظام بازار بود، به گونه‌ای که تمامی ارزش‌های آن را زیر سؤال برد و در جهت عکس آن حرکت کرد. این رویکرد به طور کلی نفع شخصی، مالکیت خصوصی و اصل رقابت را برنتابید و با شعار حذف مالکیت خصوصی به میدان آمد. استقرار یک نظام جامع مبتنی بر برنامه‌ریزی متمرکز و تصمیم‌گیری برای تمام برنامه‌های تولید، توزیع و مصرف و همچنین تخصیص دستوری منابع، از لوازم بدون تردید چنین تفکری بود. اما نادیده گرفتن انگیزه‌های فردی و عدم درک ارزش‌های رقابت از یک‌سو و ناکارآمدی نظام‌های متمرکز، نهضت سوسیالیسم و نظام‌های شکل گرفته مبتنی بر آن را با چالش‌های جدی و اساسی روبه‌رو کرد؛ چالش‌هایی که نهایتاً در یک رویارویی تاریخی با نظام‌های لیبرال دموکراسی منجر به فروپاشی و بلکه از هم‌پاشیدگی و تا حد زیادی عقب‌ماندگی جوامعی گردید که کشورهای سوسیالیستی نامیده می‌شدند.

رویکرد سوم نهضت تعاون بود. نهضت تعاون بر خلاف نهضت سوسیالیسم، رفتاری ملایم‌تر داشت و بیش از آنکه به نظام بازار و اصل رقابت انتقاد کند، فردگرایی را هدف حملات

خود قرار داد و با طرح اصولی خاص مبتنی بر همکاری افراد و گروه‌هایی در جامعه، در واقع پاسخ یا واکنشی به نارسایی‌های نظام بازار بود. این نهضت ضمن درک ارزش‌های نظام بازار و اصل رقابت، حفظ منافع فردی را در قالب جمعی از افراد با اهداف مشترک، عملی می‌دانست (محمودی، ۱۳۸۷، ۵۳).

به علاوه، بنا به تعریف برخی از اندیشمندان، سه عنصر روح (یعنی انگیزه‌های مسلط در فعالیت اقتصادی)، شکل (یعنی مجموعه عناصر اجتماعی، حقوقی و نهادی که محدوده فعالیت اقتصادی و روابط میان اشخاص اقتصادی را تعیین می‌نمایند) شامل نظام مالکیت‌ها، مقررات کار و نقش دولت) و محتوا (یعنی فن و مجموعه رویه‌های مادی که به وسیله آن کالاها را به دست می‌آوریم یا تغییر شکل می‌دهیم)، عناصر اصلی یک نظام اقتصادی را مشخص می‌کنند (بار، ۱۳۶۸، ۲۰۰).

روح نظام اقتصاد تعاونی از دو مؤلفه تشکیل شده است. مؤلفه اول پرهیز از هرج و مرج و آشفتگی اقتصاد سرمایه‌داری است بی‌آنکه در ورطه حکومت جابرانه یا بی‌صلاحیت اقتصاد اشتراکی برنامه‌ای سقوط کند. بدین منظور، نظام تعاونی می‌کوشد در عمل جامعه را به منزله مجموعه‌ای از اصناف متشکل در نظر بگیرد که دولت در آن به سود مصلحت عمومی نقش داور را به عهده دارد (همان، ۲۰۴).

مؤلفه دوم "همکاری" است؛ همکاری برای جست و جوی منافع اقتصادی-اجتماعی تمامی اعضای بنگاه‌های تعاونی در قالب یک فعالیت جمعی و صرف نظر از نوع مذهب و فارغ از نوع سیاست برای رسیدن به رفاه اقتصادی توأم با حفظ و رعایت ارزش‌های انسانی. اتحادیه بین‌المللی تعاون از اخلاقیاتی مثل درستی، علاقه‌مندی، کثرت‌گرایی و سازندگی به عنوان روح تعاون نام می‌برد (ICA, 2004).

نیروی انسانی همواره و با عنایت به قاعده آزادی اقتصادی، مالک نیروی کار خود بوده و می‌تواند آن را در هر فعالیتی که تمایل دارد و از جمله در امور مربوط به شرکت‌های تعاونی به کار اندازد. در خصوص سرمایه هم چنین وضعیتی حاکم است؛ یعنی در حالی که مالکیت خصوصی

انسان‌ها بر عامل سرمایه متعلق به خودشان محفوظ است وقتی هم که سرمایه آنان در کنار سرمایه صدها و هزاران نفر دیگر قرار می‌گیرد و انباشت لازم را ایجاد می‌کند و به صورت مشاع در می‌آید، به رسمیت شناخته می‌شود (سبحانی، ۱۳۸۷، ۳۵).

لذا هدف اقتصاد تعاونی رهایی از ناکارآمدی‌های اقتصاد دولتی، جلوگیری از ایجاد قله‌های ثروت در بخش خصوصی و گسترش مشارکت مردمی خواهد بود. جالب اینجاست که با توجه به تجربه تاریخی نظام بازار و اقتصاد دولتی، و مطرح شدن نظریه‌های شکست آنها و نیز تجربه و عملکرد اقتصاد تعاونی در مقایسه با اقتصاد خصوصی و دولتی شکست اقتصاد تعاونی در نظریه‌ها بیان نگردیده است (صباغ کرمانی و عاقلی، ۱۳۸۳).

۳.۳. تأمین سرمایه مالی و ارتقای سرمایه‌های انسانی و اجتماعی

اما یکی از مشکلات تکیه بر مردم در عرصه اقتصاد، کمبود سرمایه‌گذاری به‌ویژه در میان دهک‌های پایین درآمدی است. انباشت سرمایه‌های کوچک در اتحادیه‌های صنفی و تعاونی، تشکیل تعاونی‌های یکپارچه عمودی و افقی، صندوق‌ها و تعاونی‌های اعتبار و مانند آنها از جمله مواردی است که سرمایه لازم برای شکل‌گیری فعالیت اقتصادی و اجتماعی را فراهم می‌کند.

به علاوه، سرمایه انسانی و سرمایه اجتماعی مهم‌ترین مؤلفه‌های یک اقتصاد مردمی هستند. رویکرد انسان‌محور در نهضت تعاون و یادگیری به واسطه حضور در صحنه فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی، آموزش و یادگیری از یکدیگر و اجتماع انسان‌ها با قابلیت‌های فردی، ارتقای سطح کیفی اعضای تعاونی را فراهم می‌آورد و باعث ارتقای سرمایه انسانی می‌گردد (محمودی، ۱۳۸۷، ۷۱). از سوی دیگر، سرمایه اجتماعی مجموعه هنجارهای موجود در سیستم‌های اجتماعی است که موجب ارتقای سطح همکاری اعضای آن جامعه گردیده و موجب پایین آمدن سطح هزینه‌های تبادلات و ارتباطات می‌گردد (فوکویاما، ۱۳۷۹، ۵). یکی از اصلی‌ترین مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی اعتماد است. اعتماد لازمه شکل‌گیری پیوندها و معاهدات اجتماعی است. اعتماد اجتماعی ایجادکننده تعاون و همیاری می‌باشد و فقط در این حالت است که در عین وجود تفاوت‌ها، قادر به حل مشکلات و انجام تعهدات اجتماعی می‌شود (اکبری، ۱۳۸۳، ۱۱). اعتماد در قلب تعاون

جای دارد. بدون اعتماد ارتباط افراد با یکدیگر برقرار نمی‌شود و در نتیجه هیچ نوع تعاونی به وجود نمی‌آید. افرادی که با یکدیگر همکاری می‌کنند، باید یکدیگر را بشناسند و به هم اعتماد داشته باشند (گل محمدی و مدرس، ۱۳۸۴، ۷۰). اگر در جامعه‌ای، اعتماد ارزش شناخته شده‌ای نباشد، تشکیل یک تعاونی دشوارتر می‌شود، اما تلاش‌هایی که از طریق پروژه‌های توسعه تعاونی صورت می‌پذیرد می‌تواند اعتماد را افزایش دهد و آن را در فضای اجتماعی تقویت بخشد. تعاونی‌ها نمونه کوچک جامعه هستند و می‌توانند در خلق اعتماد اجتماعی وسیع‌تر مشارکت کنند (Scharm, 2007, 21).

۴. اقتصاد تعاونی و کاهش وابستگی به نفت

واضح است که کاهش وابستگی به نفت از طریق کاهش سهم نفت در تولید ناخالص داخلی (GDP) و افزایش سهم بخش‌های تولیدی محقق می‌شود. شواهد نشان می‌دهد که تعاونی‌ها در دو بعد اقتصاد خرد و اقتصاد کلان تأثیر گذارند و تقویت‌کننده کارآفرینی هستند.

۱.۴. تأثیر اقتصادی تعاونی‌ها در سطح خرد

بزرگ‌ترین تأثیر مستقیم اقتصادی تعاونی‌ها در سطح خرد را یقیناً می‌توان درآمد اضافی ایجاد شده برای اعضای آنها محسوب نمود. تعاونی‌ها نیل به این هدف را به طرق زیر تأمین می‌کنند:

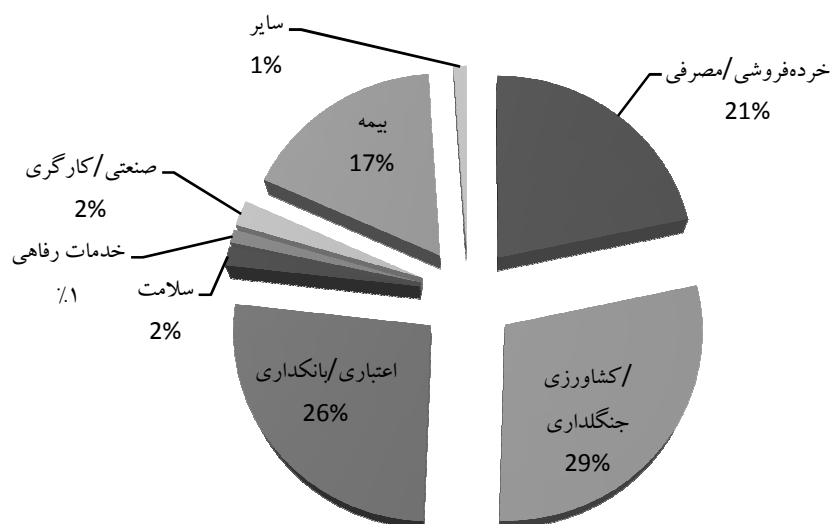
تأمین قیمت‌های بالاتر برای تولیدات خود (تعاونی‌های بازاریاب)؛ کاهش هزینه‌های تولید و در نتیجه، افزایش از تولید و برخورداری از حاشیه سود بیشتر (تعاونی‌های تأمین نیازهای کشاورزان و صنعتگران)؛ استخدام اعضا (تعاونی‌های تولیدی)؛ معرفی نوآوری‌ها؛ تأمین خدمات بیمه (تعاونی‌های خدمات بیمه)؛ تأمین اعتبار با مجموع هزینه‌های بالاسری به مراتب مطلوب‌تر؛ پرداخت بهره‌های محصول مربوط به پس‌اندازها؛ صرفه‌جویی در هزینه‌های ناشی از انتقال پس‌انداز اعضا از طریق دستیابی بهتر و بیشتر محلی به این اعتبارات (تعاونی‌های پس‌انداز و اعتبار)؛ کمک تعاونی‌های خدمات مصرفی به اعضای خویش در زمینه دستیابی اعضا به کالای

مصرفی (تعاونی‌های مصرف) با قیمت‌های به مراتب پایین‌تر از بازار؛ ارائه آموزش‌های لازم (تعاونی‌های دانشگاهی)؛ تهیه مسکن با هزینه‌های به مراتب کمتر (تعاونی‌های مسکن)؛ مسافرت (تعاونی‌های گردشگری)؛ ارائه خدمات درمانی و بهداشتی (تعاونی‌های بهداشت و درمان) (سازمان بین‌المللی کار، ۱۳۸۳، ۸۳-۸۴).

۲.۴. سهم تعاونی‌ها در اقتصاد کلان

امروزه تعاونی‌ها در جهان در زمینه‌های گوناگون اقتصادی از تولیدی تا خدماتی فعالیت دارند و به هیچ وجه به بخش کشاورزی بسنده نمی‌کنند. شواهد آماری نشان می‌دهد که تعاونی‌ها سهم چشمگیری در اقتصاد ملی دارند. سهم تعاونی‌ها در اقتصاد کلان را می‌توان بر حسب سهام بازاریایی که به خود اختصاص داده‌اند به وضوح مشاهده کرد.

اتحادیه بین‌المللی تعاون (ICA) رتبه‌بندی برترین تعاونی‌های جهان براساس میزان درآمد در قالب پروژه موسوم به "Global 300" را انجام داده که نتایج به دست آمده نشان از قدرت اقتصادی تعاونی‌ها در سطح جهان است. مجموع درآمد تعاونی‌های پروژه Global 300، ۱۶۰۰ میلیارد دلار بوده که از GDP برخی کشورهای پیشرفته نظیر کانادا بیشتر است (جدول ۱). کشورهای آمریکا، ژاپن، چین، آلمان و فرانسه به ترتیب دارای بیشترین سهم در لیست Global 300 هستند. در مطالعه‌ای دیگر، کشورهای دارای بالاترین سهم از تولید ناخالص داخلی (GDP) به دست آمده از درآمدهای تعاونی‌های Global 300 به ترتیب ذیل احصا شده‌اند: فنلاند ۲۱ درصد، نیوزلند ۱۷/۵ درصد، سوئیس ۱۶/۴ درصد سوئد ۱۳ درصد. مقایسه لیست بالا با رقابتی‌ترین کشورهای جهان نشان می‌دهد که همبستگی بسیار زیادی میان درصد بالای فعالیت تعاونی با رقابت‌پذیری اقتصادی وجود دارد (Cronan, 2010).



شکل ۱. تفکیک فعالیت‌های ۳۰۰ تعاونی برتر جهان

مأخذ: ICA, 2012

جدول ۱. مجموع درآمد ۳۰۰ تعاونی برتر به تفکیک بخش‌ها

بخش	درآمد (میلیارد دلار)	درصد
کشاورزی / جنگلداری	۴۷۲	۲۸/۸۵
بانکداری / اعتباری	۴۳۰	۲۶/۲۷
مصرفی / خرده‌فروشی	۳۵۴	۲۱/۰۶
بیمه	۲۸۲	۱۷/۲۳
کارگری / صنعتی	۳۵	۲/۱۶
سلامت	۲۷	۱/۶۵
خدمات رفاهی (آب، برق و...)	۱۸	۱/۱۳
سایر	۱۷	۱/۰۴

مأخذ: ICA, 2012

بنابراین، تعاونی‌ها در دو بعد خرد و کلان ارزش‌آفرین‌اند و در برخی از کشورهای پیشرفته، که از نظام بازار پشتیبانی می‌کنند، سهم قابل توجهی در GDP دارند.

۳.۴. تعاونی‌ها، کارآفرینی و ایجاد اشتغال

تعاونی‌ها به طور کارآمد می‌توانند موانع بازار را که بر سر راه حضور در فعالیت‌های اقتصادی گروه‌های ناتوان کشورهای در حال توسعه و در حال گذار قرار دارند کاهش دهند. تعاونی‌ها به کارآفرینان اجازه می‌دهند که:

- با ایجاد صرفه‌های مقیاس، هزینه‌های معاملاتی را کاهش داده و از طریق فروش‌های عمده درآمدها را افزایش دهند.

- از طریق دسترسی بیشتر به اطلاعات و شبکه‌ها، کارایی‌ها را در طول زنجیره ارزش افزایش دهند.

- با آموزش مهارت‌های جدید به اعضا و استفاده از فناوری‌های جدید، کیفیت و ارزش افزوده محصولات را بهبود بخشند.

- با جمع‌آوری منابع مالی از طریق ترتیبات تعاونی، دسترسی به سرمایه را افزایش دهند.

- از طریق فعالیت‌های جمعی، قدرت چانه زنی قابل توجهی به دست آورند (Scharm, 2007).

مشارکت تعاونی‌ها در ارتقای اشتغال کامل و مولد دارای جنبه‌های بسیار متعددی است:

تعاونی‌ها اشتغال مستقیم برای کارکنان خود فراهم می‌کنند. همچنین بنابر اصول و ارزش‌های اتحادیه بین‌المللی تعاون، تعاونی‌ها از طریق خودیاری و تعهد سازمانی نسبت به اعضا و جوامع خود، نزدیک به ۱۰۰ میلیون شغل در سراسر جهان ایجاد کرده‌اند. برای مثال تا پایان سال ۲۰۰۶ تعاونی‌ها و اتحادیه‌های اعتبار کانادا بیش از ۱۶۰ هزار نفر را به کار گمارده‌اند؛ در فرانسه، ۲۱ هزار تعاونی برای ۷۰ هزار نفر شغل ایجاد نموده‌اند؛ در آلمان، حدود ۸۱۰۰ تعاونی برای ۴۴۰ هزار نفر اشتغال‌زایی کرده‌اند؛ در کنیا، ۲۵۰ هزار نفر از سوی تعاونی‌ها صاحب شغل شده‌اند؛ در اسلواکی، اتحادیه تعاونی متشکل از ۷۰۰ تعاونی حدود ۷۵ هزار نفر را از نظر شغلی تأمین نموده است؛ در کلمبیا، نهضت تعاون برای ۱۰۹ هزار نفر ایجاد اشتغال کرده و علاوه بر این، ۳۷۹ هزار نفر دیگر را نیز در تعاونی‌های کارگری به کار گمارده است (سازمان ملل، ۱۳۸۷، ۷).

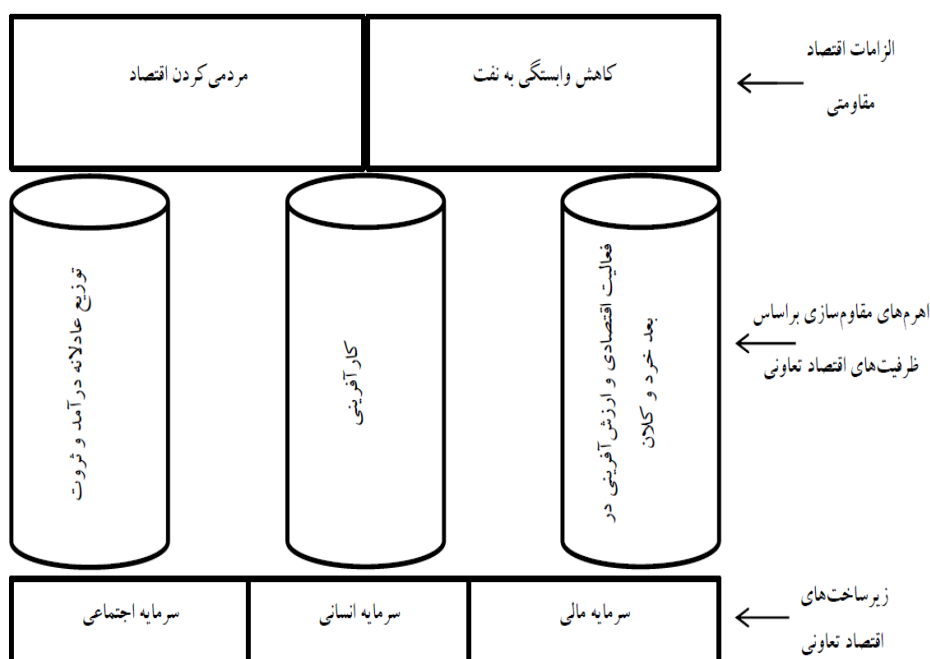
تعاونی‌ها همچنین اشتغال غیرمستقیم و انگیزشی ایجاد می‌کنند. اشتغال غیرمستقیم از کسب و کارهایی ناشی می‌شود که مواد اولیه (کالا یا خدمات) برای تعاونی‌ها تأمین می‌کنند. اشتغال انگیزشی نتیجه رشد تقاضا در اقتصادی است که بر اثر پرداخت هزینه‌ها از محل دستمزدها و درآمدهای کارکنان و اعضای تعاونی‌ها ایجاد می‌شود. در حالی که برآوردهای جامع ملی و بین‌المللی از آثار اشتغال غیرمستقیم و انگیزشی تعاونی‌ها موجود نمی‌باشد، برخی مطالعات در خصوص تعاونی‌های ایالات متحده آمریکا و فعالیت‌های اقتصادی آنان نشان می‌دهد که آثار اشتغال غیرمستقیم و انگیزشی می‌تواند تا حدود ۷۰ درصد نتایج و آثار اشتغال مستقیم تعاونی‌ها باشد و به عبارتی برای هر ۱۰ شغل تعاونی، ۷ شغل اضافی در جایی دیگر ایجاد می‌شود.

تعاونی‌ها همچنین با ارائه خدمات آموزشی و پرورش توانایی‌های کارآفرینی، اشتغال‌زایی می‌کنند. تعاونی‌ها اعتبار لازم، سرمایه و دیگر منابع را تأمین می‌نمایند و موجب اشتغال مولد می‌شوند که این امر بدون تجمع منابع و توانایی‌ها به شکل دیگر امکان‌پذیر نیست. تعاونی‌ها با سرمایه‌های خرد به خوداشتغالی و ایجاد مشاغل در بنگاه‌های کوچک کمک می‌کنند. تعاونی‌ها به ویژه برای ظرفیت‌سازی و بهره‌برداری از ظرفیت‌های بالقوه گروه‌های منزوی شده از بطن جامعه، شامل زنان، جوانان، ناتوانان و افراد بومی (که اغلب دسترسی محدودی به آموزش‌ها دارند) کارسازند. تعاونی‌های صنایع لبنی کشور هند که تسهیلگر رشد کارآفرینی محلی در بین زنان محسوب می‌شوند، از جمله نمونه‌های موفق چنین آثار مثبتی هستند.

تعاونی‌ها، به عنوان بنگاه‌های اقتصادی همیار، در حوزه‌هایی که کمتر مورد توجه و حمایت دولت‌ها و دیگر مؤسسات تجاری خصوصی قرار می‌گیرند، به ایجاد فرصت‌های شغلی مورد نیاز می‌پردازند. علاوه بر این، تعاونی‌ها در بحران اشتغال در نقش یک اقدام ضدچرخشی مفید عمل نموده و به عنوان وسیله معاش جایگزین، فرصت‌هایی ایجاد می‌کنند. تعاونی‌ها در شرایط دشوار اقتصادی و اجتماعی و دوره‌های بیکاری مفرط رشد می‌کنند؛ برای نمونه، تعاونی موندراگون اساساً به منظور ایجاد اشتغال مولد در منطقه محروم باسک اسپانیا در دهه ۱۹۴۰ تأسیس شد.

تعاونی‌ها علاوه بر ایجاد فرصت‌های شغلی، در قبال اصول کار در شأن انسان متعهدند و این امر مورد حمایت سازمان بین‌المللی کار نیز می‌باشد. از آنجا که تعاونی‌ها بین کسب و کار و اهداف اجتماعی وحدت ایجاد می‌کنند، غالباً ساز و کارهایی برای ترویج اهداف اجتماعی در بین اعضایشان و نیز در کل جامعه فراهم می‌سازند که از جمله می‌توان به اهداف مرتبط با ارتقای اشتغال مناسب اشاره نمود. علاوه بر این، مسئولیت‌پذیری اجتماعی به عنوان یکی از دلمشغولی‌های شرکت‌های سهامی - که خود بر مسئولیت اجتماعی جمعی تأکید دارند - سال‌هاست علت وجودی اصلی تعاونی‌ها محسوب می‌شود (سازمان ملل، ۱۳۸۷، ۸-۱۰).

با توجه به مطالب پیش‌گفته، مدل مفهومی ارتباط اقتصاد تعاونی و اقتصاد مقاومتی در زیر ارائه می‌شود:



شکل ۲. مدل مفهومی ارتباط اقتصاد تعاونی و اقتصاد مقاومتی

همان‌طور که مشاهده شد، اقتصاد تعاونی اقتصادی مردمی، انسانی و عدالت‌محور و الگویی مناسب برای دهه عدالت و پیشرفت و اقتصاد مقاومتی است. از آنجا که مقام معظم رهبری نیز در تبیینی از اقتصاد مقاومتی بیان فرموده‌اند که اقتصاد مقاومتی شرایط و ارکانی دارد که یکی از مهم‌ترین آنها تکیه به مردم است و بر همین اساس و به منظور تحقق اقتصاد مقاومتی، سیاست‌های اصل ۴۴ باید با تأکید و اهتمام و دقت و وسواس هرچه بیشتر دنبال شوند. بنابراین، باید به سراغ جایگاه بخش تعاون در سیاست‌های کلی اصل ۴۴ برویم. اما پیش از این لازم است مروری بر تحولات بخش تعاون در ایران پس از پیروزی انقلاب و جایگاه آن در برنامه‌های توسعه داشته باشیم تا بتوانیم کاستی‌های پیش از ابلاغ سیاست‌های کلی اصل ۴۴ را شناسایی کنیم.

۵. تحولات تعاون در ایران (پس از پیروزی انقلاب اسلامی)

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، اهمیتی که جمهوری اسلامی ایران براساس تعالیم قرآن مجید و دین اسلام برای تعاون و همیاری تمامی قشرهای جامعه در امور اقتصادی قائل بود سبب شد تا در قانون اساسی دو اصل ۴۳ و ۴۴ به موضوع تعاون اختصاص داده شود.

در اصل ۴۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران آمده است: برای تأمین استقلال اقتصادی جامعه و ریشه‌کن کردن فقر و محرومیت و برآوردن نیازهای انسان در جریان رشد با حفظ آزادی او، اقتصاد جمهوری اسلامی ایران بر اساس ضوابط زیر استوار می‌شود:

- تأمین نیازهای اساسی: مسکن، خوراک، پوشاک، درمان، آموزش و پرورش و امکانات

لازم به منظور تشکیل خانواده برای همه

- تأمین شرایط و امکانات کار برای همه به منظور رسیدن به اشتغال کامل و قرار دادن

وسایل کامل در اختیار همه کسانی که قادر بکارند ولی وسایل کار ندارند در شکل تعاونی، از راه وام بدون بهره یا هر راه مشروع دیگری که نه به تمرکز و تداوم ثروت در دست افراد و گروه‌های خاصی منتهی شود و نه دولت را به صورت یک کارفرمای بزرگ مطلق درآورد. این اقدام باید با رعایت ضرورت‌های حاکم بر برنامه‌ریزی عمومی اقتصاد کشور در هر یک از مراحل رشد صورت گیرد.

اصل ۴۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مقرر می‌دارد: نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران بر پایه دولتی، تعاونی و خصوصی با برنامه‌ریزی منظم و صحیح استوار است (قانون اساسی ج. ۱. ا، ص ۴۵).

۱.۵. تعاون در برنامه‌های اول تا سوم توسعه

مطالعه برنامه اول و دوم توسعه نشان می‌دهد که در این دو برنامه به طرح اهدانی کلی نظیر سازماندهی جامعه روستایی از طریق تعاونی‌های تولیدی، حمایت از ایجاد تعاونی‌ها و تعیین چارچوب‌های حقوقی لازم، تلاش در جهت افزایش سهم بخش‌های خصوصی و تعاونی از تولیدات ناخالص داخلی، واگذاری بخش‌هایی از فعالیت‌های دولت به تعاونی‌ها و... بسنده شده است. آمار و ارقام^۱ معاونت تحقیقات، آموزش و ترویج وزارت تعاون سابق مبین آن است که سهم بخش تعاونی در تولید ناخالص داخلی از ۱/۶ درصد در سال ۱۳۷۲ به ۲/۸ درصد در سال ۱۳۷۵ رسیده و پیش‌بینی می‌شد که این سهم در سال ۱۳۸۰ به ۸ درصد برسد. بهره‌وری نیروی کار در بخش تعاون از نظر مدیریت و مالکیت در سال ۱۳۷۵ برابر با ۱۹ میلیون ۸۰۰ هزار ریال بود.

برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در شرایطی آغاز شد که تحولات جهانی و داخلی بسیاری در زمینه تغییرات فناوری، جهانی شدن اقتصاد، خصوصی‌سازی، اشتغال و بیکاری، تولید، تورم، صادرات و غیره در جامعه مطرح بود.

برای مقابله بهینه با تحولات و مسائل یادشده، نظر بر آن بوده که در سال‌های برنامه سوم توسعه، اولاً از میزان تصدیگری بخش دولتی کاسته شود و ثانیاً مشارکت مردم در فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی در قالب تشکل‌های تعاونی و خصوصی افزایش یابد. از این رو، انتظار

۱. مراجعه کنید به قانون برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۶۸ - ۱۳۷۲) مصوب ۱۳۶۸/۱۱/۱۱ مجلس شورای اسلامی و قانون برنامه دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۷۴-۱۳۷۸) مصوب ۱۳۷۳/۲۰/۹ مجلس شورای اسلامی.

می‌رفت که بخش تعاون در برنامه سوم از پیشرفت چشمگیری برخوردار گردد، به خصوص آنکه نظریه "رشد و توسعه همراه با عدالت اجتماعی" مورد توجه برنامه سوم بوده است. نتایج حاصل از یک مطالعه در وزارت تعاون (۱۳۸۵) نشان می‌دهد سهم بخش تعاونی (تعاونی‌های تحت پوشش وزارت تعاون) در تولید ناخالص داخلی در سال ۱۳۷۳ برابر ۱/۶ درصد، در سال ۱۳۷۵ معادل ۲/۸۲ درصد، در سال ۱۳۷۷ حدود ۳/۵ درصد و در پایان سال ۱۳۸۳ حدود ۵/۵ درصد بوده است.

۲.۵. وضعیت بخش تعاون در آستانه ابلاغ سیاست‌های کلی اصل ۴۴

اگرچه تعاونی‌ها در سال‌های پس از پیروزی انقلاب به لحاظ تعداد و اعضا رشد چشمگیری داشتند، اما سهم اندک این بخش در اقتصاد ملی و اذعان کارشناسان و صاحب‌نظران به توسعه‌نیافتگی تعاون در کشور نشان می‌دهد اکتفا به آمارها کافی نیست. برخی از کارشناسان معتقدند در برنامه‌ریزی تعاون مشکلات عمده‌ای بروز می‌نماید که برخی از آنها عبارت‌اند از:

- آمار و ارقام مندرج در برنامه‌ها اغلب از جانب سازمان‌ها و ادارات دولتی به ترتیبی تنظیم و ارائه می‌شود که مبین استحکام مبانی ایدئولوژیکی سیاست‌ها و خط مشی‌های دولت است؛ به عبارت دیگر، این ارقام ظاهراً اثر اقدامات دولت را در پیشرفت اجتماعی کشور ثابت می‌نماید. در این صورت سؤال این است که این ارقام تا چه اندازه منطبق با واقعیت و متناسب با پیشرفت نهضت تعاونی است؟

- برنامه‌های دولتی غالباً تنها متوجه توسعه کمی جنبش تعاونی است و به عوامل کیفی توجه لازم مبذول نمی‌گردد. گزارش‌ها و مقالات مربوط به بخش تعاونی کشور، که در آن از تحقق برنامه‌های تعاونی سخن رفته است، به طور واضح نشان می‌دهد که در زمینه اجرای برنامه‌های مربوط به امر تعاون، به جنبه‌ها و ارزش‌های تربیت اجتماعی تعاونی‌ها اساساً توجهی نشده است. سازمان‌های دولتی مرتبط با اداره امور تعاونی‌ها، گرچه در مواردی شرکت‌ها را از لحاظ مالی، فنی و سازمانی حمایت می‌نمایند، لیکن اقدامات این سازمان‌ها عملاً به توفیق کیفی در امر تعاون منجر

نمی‌گردد. به این جهت گزارش‌های ادارات کل تعاون یادآور می‌سازد که تعداد شرکت‌های تعاونی "خوب" و "خیلی خوب" در اغلب استان‌ها ناچیز است.

- در اکثر موارد علت توفیق در اجرای وظایف محوله به شرکت‌های تعاونی آن است که تشکیل شرکت‌ها در زمانی صورت گرفته که فقر اقتصادی در بین اعضا به طور مطلق حاکم بوده است. در چنین شرایطی، طبیعی است که هر نوع فعالیت اقتصادی الزاماً باید قرین موفقیت گردد. به موازات رفع تدریجی فقر و فراهم شدن بهبود نسبی در وضع مالی اعضا، باید به مسئله تطابق وضع شرکت‌های تعاونی با تغییرات حاصله در اوضاع و احوال جامعه نیز توجه شود. اما در این مرحله به رغم برنامه‌های دولت، بازدهی شرکت‌های تعاونی غالباً رو به کاهش رفته و خطر انحلال و از بین رفتن، به ویژه از لحاظ کاهش تمایل و علاقه در اعضا، شرکت‌ها را تهدید کرده است.

- در برخی شرکت‌های تعاونی، که به ابتکار دولت تأسیس گردیده و حسن جریان وظایف و ادامه فعالیت آنها به حمایت دولت بستگی دارد، این خطر وجود دارد که به عواملی جهت پیشرفت و توسعه اقتصادی تبدیل نشوند، بلکه فقط عواملی جهت تجمع افراد منفعل گردند و به طور دائمی مقامات و سازمان‌های مسئول دولتی وابسته باقی بمانند؛ برای مثال، دخالت زیاد دولت در امر تعاون روستایی تا کنون مانع از استقلال شرکت‌های تعاونی روستایی و واگذاری کار شرکت‌ها به خود آنها گردیده است (قنبری و همکاران، ۱۳۷۹، ۶۴).

برخی دیگر از صاحب‌نظران نیز به تنگناهای اقتصادی، اجتماعی و ساختاری بخش تعاون

اشاره کرده‌اند:

- دولت به آسان‌ترین وسیله متوسل شده و از طریق تبصره‌های بودجه‌ای برای تأمین اعتبار مربوط به تعاونی‌ها استفاده می‌کند. این تبصره‌ها برای بانک‌ها جنبه تحمیلی دارد و بانک‌ها به نحوی عمل می‌کنند که تا حد امکان از پرداخت این اعتبار خودداری نکنند. یکی از معضلات و تنگناهای توسعه تعاونی‌ها، سختگیری‌های بوروکراتیکی است که بانک‌ها اعمال می‌کنند.

- قانون تعاون باید منعکس‌کننده نیاز و تحولات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی زمان و

منطبق با آنها باشد و از ارزش‌های اصیل، ایدئولوژی و روح تعاون حمایت کند.

-سیاست‌های مورد عمل هیچ‌گاه از تعاونی‌ها، اتحادیه‌ها و اتاق تعاون نشئت نمی‌گیرد، بلکه دولت معمولاً یکطرفه و بنا به تشخیص خود، این سیاست‌ها را تدوین می‌کند و به تصویب می‌رساند و برای اجرا ابلاغ می‌کند. در نتیجه، همیشه محلی برای تعبیر و تفسیر افراد و واحدهای دولتی وجود دارد.

- مورد توجه قرار نگرفتن تدوین و اجرای راهبرد پیشبرد و نظارت: این کار اصولاً به عهده تعاونی‌ها و اتحادیه‌های آنهاست در حالی که واحدهای دولتی مسئولیت این کار را از آن خود می‌دانند.

-عدم اشاعه فرهنگ تعاونی در جامعه به خصوص نزد اعضا، مدیران و کارکنان شرکت‌های تعاونی: با اینکه شرکت‌های تعاونی از نظر کمی رشد قابل توجهی یافته‌اند، بر اساس پژوهش‌های دفتر آموزش و پژوهش و تحقیقات وزارت تعاون در سال‌های ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۰، بخش قابل توجهی از اعضا و مدیران تعاونی‌ها و اتحادیه‌های تعاونی با مفهوم و اصول تعاونی و ارزش‌های والای آن آشنایی کامل پیدا نکرده‌اند.

- بی‌توجهی به منابع انسانی (سرمایه اصلی شرکت‌های تعاونی): تاکنون برنامه‌های آموزشی و کارآموزی و کسب مهارت به صورت ناکافی از طرف دولت انجام شده است. فراهم نشدن زمینه لازم و کافی برای گروه‌های اجتماعی کم‌بهره جامعه مانند زنان، جوانان، معلولان و بیکاران به طوری که هنوز راهکار و رویکرد تعاونی نتوانسته است مزیت‌های خود را شامل حال گروه‌های مزبور کند (مهاجرانی و عسگری، ۱۳۸۴، ۲۳۳-۲۳۶).

در مطالعه‌ای که مرکز پژوهش‌های مجلس طی سال‌های اجرای برنامه سوم توسعه انجام داده، مشکلات زیر به عنوان مشکلات ساختاری بخش تعاون مورد اشاره قرار گرفتند:

- تعدد قوانین و مقررات حاکم بر بخش تعاون، عدم یکپارچگی بخش به لحاظ تبعیت از قوانین و مقررات و سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی واحد و همچنین گسستگی زنجیره ارتباطی تشکیلات تعاونی‌های شهر و روستا

- توسعه نیافتگی فرهنگ تعاون در جامعه، ضعف آگاهی از مزایای آن، عدم تعیین اهداف کمی برای توسعه بخش تعاونی و فقدان چنین رویکردی در برنامه سوم
- سایه سنگین قوانین برنامه‌ها و بودجه‌های سالانه بر بخش تعاون و موقوف‌الاجرا ماندن قانون بخش تعاونی اقتصاد جمهوری اسلامی
- پایین بودن سطح تحصیلات کلاسیک و تجربه‌های روزآمد مسئولان تعاونی‌ها
- کمبود منابع مالی و نبود تشکیلات مالی مستقل و فراگیر برای هدایت جریان نقدینگی
- کمبود تحقیقات کاربردی در بخش تعاون به منظور استفاده از فناوری‌های کارآمد و ارتقای بهره‌وری (مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۸۱، ۲۳).
- مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام نیز از طریق برگزاری نشستی با نمایندگان بخش تعاون، اتاق تعاون، اتحادیه سراسری تعاون و خبرگان بخش، مهم‌ترین مشکلات تعاونی‌ها را براساس اظهارات آنان چنین برشمرده است:
- عدم نظام‌مندی نقش دولت در حمایت، هدایت و نظارت تعاونی‌ها
- نبود قانونی خاص برای تعاونی‌های بند ۲ اصل ۴۳ قانون اساسی
- عدم واگذاری وظایف دولت به تشکل‌های تعاونی و به رسمیت نشناختن آنها
- نارسایی قانون تعاون که بیشتر قانون ثبت تعاونی است نه قانون تعاون و وجود قوانین متعدد و متناقض
- وجود مشکلات مالی در تعاونی‌ها از قبیل پایین بودن سرمایه، ناکافی بودن وام‌های صندوق تعاون و عدم تشکیل بانک توسعه تعاون
- بی توجهی به توانمندی و سودآوری بخش تعاون در مقایسه با بخش خصوصی (طباطبایی یزدی و مافی، ۱۳۸۶، ۲۷۷-۲۷۸).
- شیوه تولید، جمع‌آوری، نگهداری و پردازش اطلاعات از سال‌های دور در حساب‌های ملی کشور به گونه‌ای تنظیم شده است که آمار فعالیت اقتصادی تعاونی‌ها از بخش غیرتعاونی

تفکیک نمی گردد. بدیهی است در چنین شرایطی نمی توان وضعیت دقیق بخش تعاونی را در آمارهای ملی جستجو کرد و محاسبه فعالیت تعاونی‌ها به صورت مستقل عملاً امکان پذیر نیست. در مجموع به نظر می‌رسد بخش تعاون در دوره پیش از ابلاغ سیاست‌های اصل ۴۴ با مشکلاتی اساسی و ساختاری روبه‌رو بوده و علی‌رغم داشتن منزلت قانونی رفیع، چندان توسعه پیدا نکرده و طلیعه ابلاغ سیاست‌های مزبور سهمی در حدود ۵ درصد از اقتصاد ملی را به خود اختصاص داده است.

۳.۵. وضعیت بخش تعاون در سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی

در سال ۱۳۸۴، سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی توسط مقام معظم رهبری ابلاغ شده است که عمده موارد آن بر توسعه بخش تعاونی مؤثر است؛ به ویژه اینکه براساس این سیاست‌ها می‌بایست سهم بخش تعاونی در اقتصاد ملی تا پایان برنامه پنجم توسعه به ۲۵ درصد برسد.

در واقع بند «ب» سیاست‌های کلی اصل ۴۴ به بخش تعاون اختصاص دارد و شامل موارد زیر است:

۱. افزایش سهم بخش تعاونی در اقتصاد کشور به ۲۵ درصد تا آخر برنامه پنجساله پنجم
۲. اقدام مؤثر دولت در ایجاد تعاونی‌ها برای بیکاران در جهت اشتغال مولد
۳. حمایت دولت از تشکیل و توسعه تعاونی‌ها از طریق روش‌هایی از جمله تخفیف مالیاتی، ارائه تسهیلات اعتباری حمایتی به وسیله کلیه مؤسسات مالی کشور و پرهیز از هرگونه دریافت اضافی دولت از تعاونی‌ها نسبت به بخش خصوصی
۴. رفع محدودیت از حضور تعاونی‌ها در تمامی عرصه‌های اقتصادی از جمله بانکداری و

بیمه

۵. تشکیل بانک توسعه تعاون با سرمایه دولت با هدف ارتقای سهم بخش تعاونی در

اقتصاد کشور

۶. حمایت دولت از دستیابی تعاونی‌ها به بازار نهایی و اطلاع‌رسانی جامع و عادلانه به این

بخش

۷. اعمال نقش حاکمیتی دولت در قالب امور سیاست‌گذاری و نظارت بر اجرای قوانین

موضوعه و پرهیز از مداخله در امور اجرایی و مدیریتی تعاونی‌ها

۸. توسعه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و سایر حمایت‌های لازم به منظور افزایش کارآمدی

و توانمندسازی تعاونی‌ها

۹. انعطاف و تنوع در شیوه‌های افزایش سرمایه و توزیع سهام در بخش تعاونی و اتخاذ

تدابیر لازم به نحوی که علاوه بر تعاونی‌های متعارف، امکان تأسیس تعاونی‌های جدید در قالب

شرکت سهامی عام با محدودیت مالکیت هر یک از سهامداران به سقف معینی که حدود آن را

قانون تعیین می‌کند فراهم شود.

۱۰. حمایت دولت از تعاونی‌ها متناسب با تعداد اعضا

۱۱. تأسیس تعاونی‌های فراگیر ملی برای تحت پوشش قرار دادن سه دهک اول جامعه به

منظور فقرزدایی

همان‌طور که مشاهده می‌شود، رسیدن به سهم ۲۵ درصدی اقتصاد ملی تا پایان برنامه پنجم

مهم‌ترین هدف منظور شده برای بخش تعاون در سیاست‌های کلی است. در سند ملی توسعه

بخش تعاون، پیش‌فرض‌هایی برای تحقق این هدف در نظر گرفته شده که در جدول زیر ارائه شده

است.

۱. پیش‌فرض‌های دستیابی بخش تعاون به سهم ۲۵ درصدی در اقتصاد ملی

ارزش افزوده	هزار میلیارد ریال به قیمت ثابت
سال ۱۳۸۱	
ارزش افزوده موجود در سال ۱۳۸۳ - معادل ۵ درصد از تولید ناخالص داخلی	۵۲/۵
ارزش افزوده ناشی از ارتقای بهره‌وری فعالیت‌های موجود (به میزان ۱۴/۶ درصد از ارزش افزوده فعالیت‌های موجود)	۷/۷۰
ارزش افزوده ناشی از انتقال ۱۰۵۰ هزار میلیارد ریال سهام بخش دولتی (انتقال ارزش افزوده)	۱۱۵
ارزش افزوده ناشی از سرمایه‌گذاری به میزان ۶۷۰ هزار میلیارد ریال طی سال‌های برنامه چهارم	۱۰۷/۳۰
جمع ارزش افزوده بخش تعاون در پایان ۱۳۸۸ - معادل ۱۸/۳ درصد از کل کشور	۲۸۲/۵
ارزش افزوده موجود در سال ۱۳۸۸	۲۸۲/۵
ارزش افزوده ناشی از ارتقای بهره‌وری طی دوره ۸۹-۹۴	۴۱/۴
- ارزش افزوده ناشی از سرمایه‌گذاری به میزان ۱۹۴۰ هزار میلیارد ریال در دوره ۸۹-۹۴	۳۱۰/۶
جمع ارزش افزوده بخش تعاون در پایان ۱۳۹۴ - معادل ۲۵ درصد از کل کشور	۶۳۴/۵

مأخذ: وزارت تعاون، ۱۳۸۵

علی‌رغم برنامه‌ریزی‌های فوق، متأسفانه بخش تعاون رشد چندانی در اقتصاد ملی نداشته و براساس آخرین اظهارات مسئولان، سهم بخش تعاون از اقتصاد به کمتر از ۵ درصد رسیده است.

۴.۵. آسیب‌شناسی علل عدم تأمین اهداف مندرج در سیاست‌ها

قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ مزیت‌ها و مشوق‌های بی‌نظیری را در اختیار بخش تعاون قرار داده است که در زیر در کنار سیاست‌های ابلاغی مقام معظم رهبری ارائه شده‌اند:

۱. بانک مرکزی در سال ۱۳۸۳، سال پایه را از سال ۱۳۷۶ تغییر داد. متأسفانه در این جدول، که از سوی وزارت تعاون منتشر شده است، سال ۱۳۸۱ به عنوان سال پایه در نظر گرفته شده که به نظر می‌رسد پشتوانه علمی محکمی ندارد.

سیاست‌های ابلاغی مقام معظم رهبری	قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ مصوب مجلس شورای اسلامی
۱. افزایش سهم بخش تعاونی در اقتصاد کشور به ۲۵ درصد تا آخر برنامه پنجساله پنجم	- در کلیه مواردی که دولت برای حمایت از بخش غیردولتی مشوق‌هایی را - به‌جز مالیات‌ها - ارائه می‌کند، این حمایت برای تعاونی‌ها ۲۰٪ بیش از بخش غیرتعاونی خواهد بود.
۲. اقدام مؤثر دولت در ایجاد تعاونی‌ها برای بیکاران در جهت اشتغال مولد	- تخفیف حق بیمه سهم کارفرما برای اعضای شاغل در هر تعاونی به میزان ۲۰٪
۳. حمایت دولت از تشکیل و توسعه تعاونی‌ها از طریق روش‌هایی از جمله تخفیف مالیاتی، ارائه تسهیلات اعتباری حمایتی به وسیله کلیه مؤسسات مالی کشور و پرهیز از هرگونه دریافت اضافی دولت از تعاونی‌ها نسبت به بخش خصوصی	- درآمد مشمول مالیات ابرازی شرکت‌ها و اتحادیه‌های تعاونی متعارف و شرکت‌های تعاونی سهامی عام مشمول ۲۵٪ تخفیف از نرخ موضوع این ماده می‌باشد.
۴. رفع محدودیت از حضور تعاونی‌ها در تمامی عرصه‌های اقتصادی از جمله بانکداری و بیمه	- کمک بلاعوض و پرداخت تسهیلات قرض‌الحسنه برای تأمین تمام یا بخشی از آورده شرکت‌های تعاونی که اعضای آن در زمان دریافت این حمایت جزء سه دهک اول درآمدی جامعه باشند.
۵. تشکیل بانک توسعه تعاون با سرمایه دولت با هدف ارتقای سهم بخش تعاونی در اقتصاد کشور	- پرداخت یارانه سود تسهیلات بانکی و سایر هزینه‌های سرمایه‌گذاری اولیه برای راه‌اندازی شرکت تعاونی - ارائه مشاوره، کمک به ارتقا بهره‌وری، آموزش کارآفرینی، مهارت و کارآموزی به‌صورت رایگان
۶. حمایت دولت از دستیابی تعاونی‌ها به بازار نهایی و اطلاع‌رسانی جامع و عادلانه به این بخش	- کمک به انجام مطالعات، تهیه طرح، راه‌اندازی بانک اطلاعاتی، تملک و آماده‌سازی اراضی
۷. اعمال نقش حاکمیتی دولت در قالب امور سیاست‌گذاری و نظارت بر اجرای قوانین موضوعه و پرهیز از مداخله در امور اجرایی و مدیریتی تعاونی‌ها	- کمک به انجام مطالعات، تهیه طرح، راه‌اندازی بانک اطلاعاتی، تملک و آماده‌سازی اراضی
۸. توسعه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و سایر حمایت‌های لازم به منظور افزایش کارآمدی و توانمندسازی تعاونی‌ها	- تأسیس بانک توسعه تعاون با سرمایه اولیه معادل ۵۰۰۰ میلیارد ریال از محل حساب ذخیره ارزی توسط دولت برای تأمین منابع سرمایه‌ای بخش تعاون
۹. انعطاف و تنوع در شیوه‌های افزایش سرمایه و توزیع سهام در بخش تعاونی و اتخاذ تدابیر لازم به نحوی که علاوه بر تعاونی‌های متعارف، امکان تأسیس تعاونی‌های جدید در قالب شرکت سهامی عام با محدودیت مالکیت هر یک از سهامداران به سقف معینی که حدود آن را قانون تعیین می‌کند فراهم شود.	
۱۰. حمایت دولت از تعاونی‌ها متناسب با تعداد اعضا	
۱۱. تأسیس تعاونی‌های فراگیر ملی برای تحت پوشش قرار دادن سه دهک اول جامعه به منظور فقرزدایی	

متأسفانه به جز بند " تأسیس بانک توسعه تعاون"، هیچ‌یک از موارد فوق اجرایی نشده است. بنابراین، علاوه بر چالش‌های ساختاری مذکور در ارزیابی برنامه‌های توسعه اول تا چهارم، می‌توان اجرایی نشدن این مزایا و مشوق‌های قانونی را مهم‌ترین عامل در تحقق نیافتن اهداف سیاست‌های کلی اصل ۴۴ دانست.

جمع‌بندی

اکنون که در سال‌های آغازین دهه پیشرفت و عدالت هستیم، راهبردی که در شرایط کنونی مورد توجه قرار گرفته و از سوی مقام معظم رهبری به عنوان اساسی‌ترین استراتژی اقتصادی کشور مدنظر قرار گرفته، راهبرد اقتصاد مقاومتی است. تحقق اقتصاد مقاومتی الزاماتی دارد که مردمی کردن اقتصاد از مهم‌ترین این الزامات در بلندمدت است. علاوه بر بخش‌های دولتی و خصوصی - که بنا به ماهیت خود با انواع شکست‌ها و ناکارایی‌ها مواجه هستند- بخش تعاونی که با مشارکت مردم همراه است، مهم‌ترین جزء بخش سوم (اقتصاد اجتماعی) به شمار می‌آید. اندیشه تعاون دارای زمینه‌های تئوریک و تاریخی فراوانی است. از لحاظ نظری، نهضت تعاون رویکردی انسانی و اخلاقی در فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی بود و افزون بر اینکه رقیب سوسیالیسم شمرده می‌شد، راهکارهای تازه‌ای برای پرهیز از نارسایی‌های نظام بازار به دست می‌داد. امروزه در کشورهای توسعه‌یافته، بخش تعاونی پویایی در کنار بخش دولتی و خصوصی دیده می‌شود. تجربیات جهانی نشان می‌دهد که این بخش می‌تواند در حوزه اقتصادی با انگیزه ایجاد سود، فرایندی از توسعه مبتنی بر عدالت را همراه با مشارکت مردم پدید آورد. تبیین میزان تأثیر تعاونی‌ها در تأمین سرمایه‌های انسانی و اجتماعی، کارآفرینی و رفع فقر از مهم‌ترین شاخص‌های تشریح توسعه عدالت‌محور با رویکرد تعاون می‌باشد. بخش تعاون در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران جایگاه رفیعی دارد. قانون‌گذار، بخش تعاون را یکی از روش‌های مهم رسیدن به مرحله رشد اقتصادی قرار داده و راه رسیدن به اشتغال و توزیع عادلانه امکانات را گسترش بخش تعاونی معرفی کرده و از آن به عنوان بخشی مستقل در کنار بخش‌های دولتی و خصوصی یاد نموده است.

در بند "ب" سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی، سیاست‌های کلی بخش تعاون تشریح شده که مهم‌ترین آن افزایش سهم بخش تعاونی در اقتصاد کشور به ۲۵ درصد تا آخر برنامه پنج‌ساله پنجم می‌باشد. انطباق فرهنگ تعاون با اهداف نظام اقتصادی اسلام، این بخش را به یکی از بخش‌های پرطرفیت برای تحقق اقتصاد اسلامی (که تحقق آن نقطه تکامل اقتصاد مقاومتی است) تبدیل کرده است. نگاهی کوتاه به بخش تعاون و مقایسه آن با بخش‌های دولتی و خصوصی نشان می‌دهد که این بخش به هیچ‌وجه از جایگاه شایسته خود بر اساس قانون برخوردار نیست. طبق آخرین آمارها، بخش تعاون تنها ۵ درصد تولید ناخالص ملی را به خود اختصاص داده است. توسعه‌نیافتگی فرهنگ تعاون (سرمایه اجتماعی) در جامعه و عدم شناخت توانمندی‌ها و مزایای بخش تعاونی و کارفرمایی مطلق دولت در اقتصاد مهم‌ترین عوامل توسعه‌نیافتگی بخش تعاون در ایران است. علاوه بر چالش‌های ساختاری مذکور، اجرایی نشدن مزایا و مشوق‌های قانونی مندرج در ابلاغیه مقام معظم رهبری را می‌توان مهم‌ترین عامل در تحقق نیافتن اهداف سیاست‌های کلی اصل ۴۴ دانست که لازم است مسئولان هرچه سریع‌تر به این مسئله توجه نمایند و علاوه بر برنامه‌ریزی و تلاش برای گسترش فرهنگ تعاونی و تأسیس شرکت‌های تعاونی، مشوق‌های مزبور را عملیاتی کنند.

منابع

- اکبری، ا. (۱۳۸۳). نقش سرمایه اجتماعی در مشارکت، بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی بر مشارکت سیاسی - اجتماعی. تهران: دانشکده علوم اجتماعی. دانشگاه تهران.
- بار، ر. (۱۳۶۸). اقتصاد سیاسی. ترجمه منوچهر فرهنگ. جلد اول. تهران: سروش.
- پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی سیدعلی خامنه‌ای (مدظله‌العالی) (۱۳۹۲). الزامات اقتصاد مقاومتی. مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی. بازیابی شده

پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی سیدعلی خامنه‌ای (مدظله‌العالی) (۱۳۹۲). بیانات مختلف مقام معظم رهبری. مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی.

بازیابی شده از <http://farsi.khamenei.ir>.

پیغامی، ع. (۱۳۹۲). *اقتصاد مقاومتی؛ اقتصاد دفاعی یا ترمیمی؟*. پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی سیدعلی خامنه‌ای (مدظله‌العالی). مؤسسه پژوهشی

فرهنگی انقلاب اسلامی. بازیابی شده از <http://farsi.khamenei.ir>.

جعفر زاده، م. (۱۳۸۵). *تعاون را بهتر بشناسیم*. تهران: پایگان.

خبرگزاری مهر (۱۳۹۲). *کاهش سهم تعاون در اقتصاد به ۵ درصد*. اظهارات وزیر تعاون، کار و رفاه

اجتماعی در تاریخ ۹۲/۹/۱۳. بازیابی شده از <http://www.mehrnews.com>

سازمان بین‌المللی کار (۱۳۸۴). *توسعه و پیشرفت تعاونی‌ها*. ترجمه: اصغر بیات. تهران: پایگان.

سازمان ملل (۱۳۸۶). *تعاونی‌ها و توسعه اجتماعی؛ گزارش دبیرکل سازمان ملل در شصت و*

دومین نشست مجمع عمومی. ترجمه: مرجانه سلطانی. تهران: ونوس.

سبحانی، ح. (۱۳۸۷). *درآمدی بر طراحی یک نظام اقتصادی تعاون محور*، *دوفصلنامه دانش و*

توسعه، ۵ (۱۰)، ۴۸-۲۹.

صباغ کرمانی، م. و عاقلی، ل. (۱۳۸۳). *ضرورت ارتقای تعاونی‌ها و جایگاه آن در بخش سوم*

اقتصاد. *مدرس علوم انسانی*، ۸ (۲)، ۱۲۷-۱۴۸.

طالب، م. (۱۳۸۶). *اصول و اندیشه‌های تعاونی*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

طباطبایی یزدی، ر. و مافی، ف. (۱۳۸۶). *روش‌های اجرایی شدن اصل ۴۴*. مرکز تحقیقات

استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام. *فصلنامه راهبرد*، شماره ۴۶، ۲۵۵-۳۰۵.

فوکویاما، ف. (۱۳۷۹). *پایان نظم*. ترجمه: غلام عباس توسلی. تهران: انتشارات جامعه ایرانیان.

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۸). *قانون اساسی مصوب ۱۳۵۸ اصلاحات و تغییرات و*

تتمیم قانون اساسی مصوب ۱۳۶۸. تدوین جهانگیر منصور. تهران: دوران.

قنبری، م.، ابراهیم‌زاده، ع. و قاسمی، ب. (۱۳۷۹). *نهضت تعاونی در ایران*. تهران: پایگان.

گل محمدی، ح. و مدرس، م. ت. (۱۳۸۴)، مباحث نوین در مدیریت شرکت‌های تعاونی، مجری وزارت تعاون، معاونت تحقیقات، آموزش و ترویج. تهران: پایگان.

محمودی، و. (۱۳۸۷). *نظریه اقتصادی تعاون*. مجموعه مقالات تعاون و توسعه اقتصادی. تهران: خوشبین.

مرکز پژوهش‌های مجلس (۱۳۸۱). *ارزیابی عملکرد وزارت تعاون در سال ۱۳۸۱*. تهران: دفتر بررسی‌های اقتصادی مرکز پژوهش‌های مجلس.

مهاجرانی، م. و عسگری، ج. (۱۳۸۴). *تحولات تعاون در ایران: گذشته، حال، آینده*. تهران: سروستان

وزارت تعاون (۱۳۸۴). *سیاست‌های کلی توسعه بخش تعاونی*. ویرایش پنجم (اسفندماه ۱۳۸۴) تهران: وزارت تعاون.

وزارت تعاون (۱۳۸۵). *سند ملی توسعه بخش تعاون، معاونت طرح و برنامه*

Cronan, G. (2010). The global 300 project: measuring co-operative performance and difference. *Review of International Co-operation*, 100(1), 1-45.

ICA (2004). Cooperatives Identity Statement. *Review of International Co-operation*, 97(1), 1-35.

ICA (2009). *Cooperatives Statistics*. Retrieved from www.ica.coop.

ICA (2012). Global 300 report; the world's major co-operatives. Retrieved from www.ica.coop.

Scharm, Susan. G. (2007). *Cooperatives: Pathway to economic-democratic and social development in global economy*. U.S. Overseas Cooperative Development Council (OCDC).

The Role of Cooperative Economy in Fulfilling the Requirements of Resistance Economy

B. Abdi¹, R. Kohan Hooshnejad^{2}*

Received: 14/10/2015 Accepted: 12/03/2016

Abstract

Resistance economy as a main economic strategy in decade of justice and progress has its requirements. Peoplization of the economy and reducing the dependency to oil revenues are the main pillars of Resistance economy in the long run. It seems that cooperative economy on the basis of human and social capital and providing financial capital through micro savings can help to the fulfillment of requirements of resistance economy via its leverages: economic activities and value-creation in micro and macro levels, entrepreneurship and just distribution of wealth and revenues. According to general policies of Article 44, cooperative sector have to occupy 25 percent of GDP. However, the evidences show that there is a huge gap in this regard. Structural weaknesses as well as failure to fulfill the projected incentives communicated by the Supreme Leader are the main reasons of this problem and it requires the immediate attention of authorities.

Keywords: Cooperatives, Resistance Economy, Iran Economy, Human Capital, Social Capital

1. Former Ph.D. Student, Department of Strategic Management, University of National Defense, Tehran, Iran

2. Former Master Student, Department of Economics, University of Imam Sadiq (PBUH), Tehran, Iran

* Corresponding Author

E-mail: kohan3@gmail.com